

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیْزُ
 الْحَكِیْمُ ﴿١﴾ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ يُحِیْ وَ
 یُمِیْتُ وَ هُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ ﴿٢﴾ هُوَ الْاَوَّلُ
 وَ الْاٰخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ
 ﴿٣﴾ هُوَ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضَ فِی سِتَّةِ اَیَّامٍ
 ثُمَّ اسْتَوٰی عَلٰی الْعَرْشِ ۚ یَعْلَمُ مَا یَلِیْجُ فِی الْاَرْضِ وَ
 مَا یَخْرُجُ مِنْهَا وَ مَا یَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا یَعْرُجُ فِیْهَا وَ
 هُوَ مَعَكُمْ اَیْنَ مَا كُنْتُمْ وَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیْرٌ ﴿٤﴾ لَهُ
 مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ اِلٰی اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ ﴿٥﴾
 یُوَلِّجُ الْاَیْلَ فِی النَّهَارِ وَ یُوَلِّجُ النَّهَارَ فِی الْاَیْلِ وَ هُوَ
 عَلِیْمٌ بِذٰتِ الصُّدُوْرِ ﴿٦﴾ اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ اَنْفِقُوا
 مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِیْنَ فِیْهِ ۗ فَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَ
 اَنْفَقُوا لَهُمْ اَجْرٌ كَبِیْرٌ ﴿٧﴾ وَ مَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ
 وَ الرَّسُوْلِ یَدْعُوْكُمْ لِتُؤْمِنُوْا بِرَبِّكُمْ وَ قَدْ اَخَذَ مِیثَاقَكُمْ
 اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِیْنَ ﴿٨﴾ هُوَ الَّذِیْ یُنزِلُ عَلٰی عَبْدِهِ اَیَّاتِ
 بَیِّنٰتٍ لِّیُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلٰی النُّوْرِ ۗ وَ اِنَّ اللّٰهَ
 بِكُمْ لَرَّوْفٌ رَّحِیْمٌ ﴿٩﴾

تفکر و اندیشه



A (اندیشیدن) - اندیشه مانند بذری است که در ذهن جوانه می‌زند، در دل و قلب ریشه می‌دواند و برگ و بار آن به صورت اعمال ظاهر می‌گردد.

اندیشه، بهار جوانی را پرطراوت و زیبا می‌سازد، استعدادها را شکوفا می‌کند و امید به آینده‌ای زیباتر را نوید می‌بخشد. علاوه بر آن می‌تواند برترین عبادت‌ها باشد) **A** پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ
برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.

اشاره به معیار خرد ورزی و تعقل‌گرایی از تمدن اسلامی

این بخش از کتاب به همین عبادت پرداخته است: اندیشه درباره خدا

A. مایه طراوت و زیبایی بهار جوانی و شکوفایی استعدادهای انسان، کدام است؟ توضیح دهید؟

B. مایه طراوت و زیبایی بهار جوانی و شکوفایی استعدادهای انسان، کدام است؟ *کنگور* تهری ۹۹

(۱) ادمان التفکر فی الله و فی قدرته (۲) من یعیش بالاحسان اکثر ممن یعیش بالاعمار

(۳) کلما زید فی ایمانه زید فی بلائه (۴) أنتم الفقراء إلى الله و الله هو الغنی الحمید





درس اول

هستی بخش



آیا تاکنون برایتان پیش آمده است که در فضایی آرام نشسته و به دور از هیجان و هیاهوی زندگی دربارهٔ این جهان پر جنب و جوش تفکر کرده باشید؟ تفکر دربارهٔ جهان دوردست؛ یعنی آسمان بی کران با کهکشان‌ها، منظومه‌ها، خورشید و سیارگان؛ و تفکر دربارهٔ همین جهان نزدیک، یعنی زمین با جنگل‌ها، دریاها، بیابان‌ها، جانوران، گیاهان و گل‌های زیبایش.

آیا هرگز دربارهٔ آغاز و پایان این هستی پهناور فکر کرده‌اید؟ به راستی این میلیاردها میلیارد کهکشان و ستاره و سیاره، با میلیاردها موجود متنوع از کجا آمده‌اند؟ موجودات جهان، هستی خود را و مدار چه کسی هستند؟!



۱. ما بر اساس فطرت الهی خویش، می دانیم که در چگونه جهانی زندگی می کنیم؟
۲. آیا شناخت اولیه از جهانی که در آن زندگی می کنیم کافی است توضیح دهید.
۳. اگر به خودمان نظر کنیم، خود را «پدیده» می یابیم یا «پدیدآورنده» توضیح دهید.

نیازمندی جهان به خدا در پیدایش

هر کدام از ما، بر اساس فطرت خویش، خدا را می یابیم و حضورش را درک می کنیم. به روشنی می دانیم (در جهانی زندگی می کنیم که آفریننده ای حکیم آن را هدایت و پشتیبانی می کند و به موجودات مدد می رساند) (خیر- با وجود این شناخت اولیه، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق تر درباره خداوند فرامی خواند و راه های گوناگونی را برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می دهد. یکی از این راه ها، تفکر درباره نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده است) بیان این راه به شرح زیر است:



۳ (اگر به خود نظر کنیم، خود را پدیده ای می یابیم که وجود و هستی مان از خودمان نیست. در اشیای پیرامون نیز که بیندیشیم، آنها را همین گونه می بینیم؛ حیوانات، گیاهان، جمادات، زمین، ستاره ها و کهکشان ها، همه را پدیده هایی می یابیم که وجودشان از خودشان نبوده و نیست) ۳

۴ (پدیده ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد؛ همان طور که چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد) عبدالرحمان جامی این معنا را در دو بیت چنین بیان می کند:

نیازمندی موجودات به خداوند در پیدایش

چون تواند که بود هستی بخش ^۱	ذاتِ نایافته از هستی، بخش
ناید از وی صفت آب دهی ^۲	خشک ابری که بود ز آب تهی

آری (در آفرینش نیز، یک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست که خودش ذاتاً موجود باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده نخواهد داشت؛ همواره بوده است و همواره خواهد بود.) ۵

* با توجه به دو مقدمه فوق می توانیم نتیجه بگیریم که ما و همه پدیده های جهان، در پدید آمدن و هست شدن خود به آفریننده ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد. این وجود برتر و متعالی «خدا» نامیده می شود. ۶

۴. پدیده هایی - که وجودشان از خودشان نیست - برای موجود شدن، نیازمند به چه کسی هستند توضیح دهید؟

۵. در آفرینش، یک موجود فقط در چه صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست؟

۶. ما و همه پدیده های جهان در پدید آمدن و هست شدن خود، به چه کسی نیازمند و محتاجیم؟



تفکر در متن

توضیحات صفحه قبل را به صورت یک استدلال، به طور خلاصه بنویسید.

۷ (مقدمه اول: ما و این جهان پدیده هایی هستیم که وجودمان از خودمان نبوده و نیست.

مقدمه دوم: موجوداتی که وجودشان از خودشان نیست برای موجود شدن نیازمند پدیده آورنده ای هستند که خودش پدیده نباشد و وجودش از خودش باشد.

نتیجه: ما و همه ی پدیده های جهان، در پدید آمدن خود به آفریننده ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد که آن همان خداوند سرچشمه ی هستی است.) ۷

پاسخ سوالات شما (۱)

برخی می پرسند: چرا موجودات این جهان باید به آفریننده نیاز داشته باشند اما خود آفریننده به خالق نیاز نداشته باشد؟!

در پاسخ می گوئیم: اگر با دقت بیشتر استدلال بیان شده در صفحه قبل را مرور کنیم، متوجه می شویم که جایی برای طرح این سؤال باقی نمی ماند. آن استدلال نمی گوید که «هر موجودی» به آفریننده نیاز دارد. بلی، اگر کسی این را بگوید، باید نتیجه بگیرد که خدا هم به آفریننده نیازمند است. نتیجه چنین حرفی این است که هیچ چیزی وجود پیدا نکند، زیرا هر موجودی را که ما فرض کنیم، باید قبل از آن موجودی باشد تا آن را پدید آورد و این سلسله تا بی نهایت پیش خواهد رفت و هیچ گاه، هیچ موجودی پدید نخواهد آمد.

به عنوان مثال، در ساختار ساعت، ممکن است ده ها چرخ دنده وجود داشته باشد که هر یک باعث حرکت دیگری می شود. چرخ دنده اول، چرخ دنده دوم را می چرخاند و چرخ دنده دوم چرخ دنده سوم را و... اگر به حرکت این چرخ دنده ها دقت کنید متوجه خواهید شد که موتور درون ساعت علت اصلی حرکت این چرخ دنده ها است که آن موتور برای حرکت خودش، نیاز به هیچ چرخ دنده ای ندارد. حال فرض کنید تعداد این چرخ دنده ها بی نهایت است و همگی در حال چرخیدن هستند. آیا امکان دارد که زنجیره این چرخ دنده ها به هیچ موتوری که حرکت دهنده چرخ دنده ها باشد، نرسد؟ چنین چیزی غیر ممکن است؛ یعنی امکان ندارد که بی نهایت چرخ دنده در حال چرخیدن باشند ولی هیچ محرک (موتور) مستقل و بی نیازی سبب ایجاد حرکت در آنها نباشد. این همان مفهوم «تسلسل علت ها» است، یعنی اینکه سلسله علت و معلول ها تا بی نهایت ادامه یابد و به علتی نخستین ختم نشود، و این مطلب از نظر عقلی محال است.

با توجه به این نکته، عقل انسان نمی گوید که هر موجودی به آفریننده نیاز دارد، همان طور که



۸. آیا رابطه «جهان» با «خدا» مانند رابطه بنا با مسجد است توضیح دهید؟

۹. به عنوان مثال رابطه خداوند با «جهان»، تا حدی شبیه کدام نوع رابطه است؛ بنویسید

نمی‌گویند تمام چیزهای شیرین، حتی شکر و قند، نیازمند به یک شیرین‌کننده هستند، بلکه ذهن ما اگر موجودی را ببیند که قبلاً نبوده و بعد پدید آمده، در اینجا می‌گوید «پدیده» نمی‌تواند خود به خود پدید آید و حتماً آفریننده‌ای آن را پدید آورده است. همان‌طور که ذهن ما نمی‌پذیرد که یک پدیده بدون پدیدآورنده باشد همان‌طور هم، برعکس، نمی‌پذیرد وجودی که ذاتاً موجود است نیازی به پدیدآورنده داشته باشد.

نیازمندی جهان به خدا در بقا

شما حتماً نام مسجد گوهرشاد را که در جوار حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام)، است، شنیده‌اید. شاید بارها آن را دیده و در آن نماز خوانده‌اید. این مسجد یکی از شاهکارهای هنر ایرانی بازمانده از دوره تیموریان است و جاذبه زیادی برای گردشگران و زائران دارد. این مسجد باشکوه همچنان باقی است، اما از معمار و بنا و کارگرانی که آن را با عشق و هنر بنا کرده‌اند خبری نیست. آیا رابطه خدا با جهان نیز مانند رابطه بنا با مسجد است؟

اگر اندکی دقت کنیم، درمی‌یابیم که (یک تفاوت بنیادین میان این دو رابطه وجود دارد. مسجد گوهرشاد از مصالح ساختمانی مانند خاک و سنگ و گچ و چوب و کاشی و... تشکیل شده که هیچ کدام از آنها را بنا به وجود نیآورده است. هر یک از این مصالح نیز خواصی دارند که بنا آن را ایجاد نمی‌کند. بنا نه چسبندگی گچ را ایجاد می‌کند و نه سختی و استحکام سنگ را؛ به عبارت دیگر بنا نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را. کار بنا فقط جابه‌جا کردن مواد و چینش آنها است. اما خداوند، خالق سنگ و گچ و چوب، و خواص آنها و حتی خالق خود بنا است. بر این اساس وجود بنا و نیز وجود مصالح و خواص آنها، همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند، آنها از بین می‌روند و ساختمان متلاشی می‌گردد. به همین جهت، جهان همواره و در هر «آن» به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچ‌گاه قطع یا کم نمی‌شود.)^۸

۹ (به عنوان مثال می‌توان گفت که رابطه خداوند با جهان، تا حدی شبیه رابطه مولد برق با جریان برق است؛ همین که مولد متوقف شود جریان برق هم قطع می‌گردد و لامپ‌های متصل به آن نیز خاموش می‌شوند.)^۹ بنابراین، (مسجد با ساخته شدن، از بنا بی‌نیاز می‌شود اما موجودات چنین نیستند و پس از پیدایش نیز همچنان، مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند. از این رو دائماً با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می‌کنند.)^{۱۱}

۱۰. رابطه خدا با انسان مانند رابطه مسجد با سازنده آن است که قطع نمی‌شود. ص غ دی ۹۸ تهرینی

۱۱. تفاوت مسجد و ساختمان را با پدیده‌ها و موجودات در مرحله پیدایش مقایسه نمایید.



۱۲. تفاوت انسانهای نا آگاه و انسانهای آگاه به نسبت به نیازهای دائمی به خداوند را بنویسید.

۱۳. هر چه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود، چه نتایجی در پی خواهد داشت؟

۱۴. چرا پیامبر اسلام (ص) عاجزانه از خدا درخواست می کند که حتی یک لحظه او را به حال خود واگذار نکند؟
فرداد ۹۹ تهری

زبان حال موجودات را مولوی این گونه بیان می کند :

ما چو کوهیم و صدا در ما زتوست
تا که ما باشیم با تو در میان
تو وجود مطلق، فانی نما
حمله مان از باد باشد دم به دم^۲

ما چو نایم و نوا در ما زتوست
ما که باشیم ای تو ما را جانِ جان
ما عدم‌هاییم و هستی‌های ما
ما همه شیران ولی شیر عَلم^۱

تمام ابیات:
فقر مطلق موجودات
نسبت به خداوند

تدبیر در قرآن

در آیات زیر تدبیر کنید و به سؤالات پاسخ دهید.

■ **يَا أَيُّهَا النَّاسُ** بی نیازی ذاتی خداوند **ای مردم**

شما به خداوند نیازمند هستید

و خدا است که [تنها] بی نیاز ستوده است.

أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ
وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ^۳

نیازمندی موجودات به خداوند در پیدایش و بقا

هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، پیوسته از او
درخواست می کند.

■ **يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**
نیازمندی دائمی موجودات به خداوند
در پیدایش و بقا

او همواره دست اندرکار امری است.

توحید در ربوبیت

۱- فکر می کنید چرا موجودات پیوسته از خداوند درخواست دارند؟ **پاسخ پایین صفحه**

۲- نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می شود؟ **پاسخ پایین صفحه** ← فرداد ۹۹ انسانی و فرداد ۹۹ تهری

۳- چرا خداوند هر لحظه دست اندرکار امری است؟ **پاسخ پایین صفحه**

آگاهی، سرچشمه بندگی

۱۲ (انسان‌های ناآگاه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند، بی توجه اند؛ اما انسان‌های آگاه دائماً سایه لطف و رحمت خدا را احساس می کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می دانند).^{۱۲} (هر چه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و ناتوانی و بندگی خود را بیشتر ابراز می کند).^{۱۴}
افزایش خودشناسی ← درک بیشتر فقر و نیاز ← افزایش بندگی^{۱۳}

پاسخ سوال ۱ تدبیر بالا: چون همه موجودات برای لحظه لحظه وجود خود محتاج و نیازمند خدایند و اگر خداوند لحظه ای آنان را به حال خود واگذارد همه نیست و نابود می شوند.

پاسخ سوال ۲ تدبیر بالا: نیاز در وجود و پیدایش - نیاز در بقا. انسان هر چه دارد از خدا دارد سر تا پا نیازمند خداوند است.

۱۰

پاسخ سوال ۳ تدبیر بالا: به دلیل نیازهای دائمی موجودات، خداوند هر لحظه دارای فیضی جدید و مستمر برای آفریده ها است. خداوند، همواره امور هستی را تدبیر و اداره می کند. بنابر این او هر لحظه دست اندر کار امری است.



۱۵. قرآن کریم، رابطه میان «خداوند» و «جهان هستی» را با چه کلمه ای بیان می کند؟ پاسخ: نور

۱۶. نور چیست؟

۱۷. نور بودن خداوند به چه معناست؟

برای همین است که پیامبر گرامی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می خواهد که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذار نکند:

اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا؛ خدایا هیچ گاه مرا چشم به هم زدنی به خودم وامگذار!

درک بیشتر فقر و نیازمندی به خدا معلول خودشناسی بیشتر است

نور هستی < افزایش بندگی معلول درک بیشتر فقر و نیازمندی به خدا است.

قرآن کریم، رابطه میان خداوند و جهان هستی را با کلمه ای بیان می کند که در نظر اول برای ما شگفت انگیز می نماید. اما پس از تفکر دقیق به معنای آن پی می بریم؛ قرآن کریم می فرماید:

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...
خداوند نور آسمانها و زمین است...

ما با نور خورشید، نور لامپ و انواع نورهای دیگر آشنا هستیم و می دانیم که خداوند از نورهایی

نیست که از اجسام ناشی می شوند، یعنی منشأ مادی دارند. پس، نور بودن خداوند به چه معناست؟

۱۶ (نور آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می شود) نورهای معمولی هم این خاصیت را دارند که خودشان آشکارند و سبب آشکار شدن اشیای دیگر هم می شوند.

۱۷ (خداوند نور هستی است. یعنی تمام موجودات، «وجود» خود را از او می گیرند، به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می گذارند و وجودشان به وجود او وابسته است. به همین جهت، هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه ای از آیات الهی محسوب می شود. در واقع، هر موجودی در حدّ خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است) از ۱۷ همین رو آنان که به دقت و اندیشه در جهان هستی می نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می کنند و علم و قدرت او را می بینند.

دلی کز معرفت نور و صفا دید
و به تعبیر بابا طاهر:

مشهود بودن خداوند در نظام هستی با دقت و اندیشه

به دریا بنگرم صحرا تو بینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت

شان از قامت رعنا تو بینم

۱- تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۷۴.

۲- سوره نور، آیه ۳۵.

۳- گلشن راز، شیخ محمود شبستری.

۴- بابا طاهر، دو بیتی شماره ۱۶۲.



۱۸. اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، چگونه قابل دسترسی و تحقق است؟

۱۹. چرا نوجوانان و جوانان در معرفت خداوند موفق تر هستند؟ پاسخ: پاکی و صفای قلب شهر یور ۹۸ انسانی

۲۰. موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم، چند دسته اند؟ آنها را بنویسید.

تفکر در حدیث

مشهود بودن خداوند در نظام هستی با دقت و اندیشه

امام علی علیه السلام می فرماید :

مَا رَأَيْتُ شَيْئًا
إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ
قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ وَ مَعَهُ
هیچ چیزی را ندیدم
مگر اینکه خداوند را
قبل و بعد و با آن دیدم

مقصود امام علی علیه السلام از اینکه می فرماید قبل و بعد و همراه هر چیزی خدا را دیدم چیست؟

این حدیث امام علی (ع) بیانگر نیازمندی همیشگی موجودات به خداوند است

قبل پدیده ها یعنی آن ها روزی نبوده اند و وجودشان را از خدا گرفته اند

همراه پدیده های یعنی آن ها در بقا هم وابسته و نیازمند خدایند

بعد پدیده ها یعنی تنها خداست که خالق موت و حیات است پس در نابودی آن پدیده نیز خدا را مشاهده می کنند .

۱۸. اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والاست که در نگاه نخست مشکل به

نظر می آید، اما هدفی قابل دسترس است، به خصوص برای جوانان و نوجوانان که پاکی و صفای قلب

دارند) اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد

و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.

ناتوانی در شناخت ذات و چیستی خداوند

اکنون ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که آیا می توان به ذات خداوند پی برد و چیستی او

را مشخص کرد؟

در پاسخ می گوئیم : موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم، دو دسته اند :

۲۰) دسته اول موضوعاتی هستند که در محدوده شناخت ما قرار می گیرند، مانند گیاهان، حیوانها،

ستارگان و کهکشانها؛ حتی کهکشانهای بسیار دور هم ممکن است روزی شناسایی شوند و انسان

بتواند به ماهیت و ذات آنها دست یابد. در حقیقت، ذهن ما توان و گنجایش فهم چیستی و ذات چنین

موضوعاتی را دارد، زیرا همه آنها اموری محدود هستند.

دسته دوم موضوعاتی هستند که نامحدودند و ذهن ما گنجایش درک آنها را ندارد) زیرا لازمه

شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است. در واقع، ما به دلیل محدود بودن ذهن خود

نمی توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم) (خداوند حقیقتی

نامحدود دارد؛ در نتیجه، ذهن ما نمی تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی

نماید) بنابراین، با اینکه ما به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی می بریم و صفات او را

۲۱. چرا نمی توان به ذات خدا پی برد و چیستی او را مشخص کرد؟ فردار ۹۸ انسانی

شکل دوم سوال : چرا ذهن ما نمی تواند به حقیقت خداوند احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید؟

۲۲. خداوند حقیقتی نامحدود دارد و انسان می تواند به حقیقت او احاطه پیدا کرده و ذاتش را بشناسد. ص غ فردار ۹۹ تهری

۲۳. علت ناتوانی انسان در شناخت ذات و چیستی خداوند را بنویسید. دی ۹۸ تهری



۲۴. ما با تفکر می توانیم به خداوند پی ببریم اما به دلیل محدود بودن ذهن مان نمی توانیم

خداوند را دریابیم. پاسخ: وجود داشتن و صفات - ذات و چیستی

می توانیم بشناسیم، اما نمی توانیم ذات و چیستی او را دریابیم؛ از همین رو پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده است:

در همه چیز تفکر کنید
ولی در ذات خداوند تفکر نکنید.

تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ
وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ

مجاز بودن تفکر در مورد وجود داشتن خداوند و صفاتش
ممنوعیت تفکر در ذات و چیستی خداوند

دانش تکمیلی

اگر می خواهید در موارد زیر اطلاعات بیشتری به دست آورید، به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی دفتر تألیف کتاب های درسی عمومی و متوسطه نظری به آدرس زیر مراجعه کنید:

<http://quran-dept.talif.sch.ir>

۱- آشنایی با دلایلی درباره وجود خداوند

۲- پاسخ به این پرسش که: آیا نظریه تکامل داروین و یا نظریه بیگ بنگ می تواند به مباحث خداشناسی لطمه ای بزند؟

پاسخ سؤالات شما (۲)

چگونه می توان خدا را دید؟

رؤیت خداوند با چشم غیرممکن است، زیرا چشم ساختار مادی و جسمانی دارد و فقط از اشیا می تواند عکس برداری کند؛ آن هم اشیایی که طیف نوری قابل درک برای چشم را منعکس کنند؛ مثلاً چشم ما نورهای مادون قرمز و ماورای بنفش را نمی بیند. بنابراین، چشم حتی توانایی دیدن همه اشیای مادی را هم ندارد، چه برسد به موجودات غیرمادی (مانند فرشتگان) و از این بالاتر به وجود مقدس خداوند که هیچ شکل و تصویری و هیچ طول و عرض و ارتفاعی ندارد. بنابراین، خداوند را نه تنها در این دنیا نمی توان با چشم مادی دید، بلکه در آخرت نیز نمی توان او را با این چشم مشاهده کرد.

اما نوعی از دیدن وجود دارد که نه تنها امکان پذیر است، بلکه از برترین هدف های زندگی است و هر کس باید برای رسیدن به چنین دیدنی تلاش کند. این مرتبه، دیدن به وسیله «قلب» و ملاقات با خداست.

۲۵. چرا رسول خدا (ص) می فرماید: «در همه چیز تفکر کنید ولی در ذات خداوند تفکر نکنید»؟ شهریور ۹۸ تهری

پاسخ: چون نمی توانیم ذات و چیستی او را دریابیم.

۲۶. ثمره درک نیازمندی به خدای بی نیاز چیست؟ پاسخ: افزایش عبودیت و بندگی شهریور ۹۸ تهری



وین‌عجب‌تر که من از وی دورم
در کنار من و من مهجورم^۱

دوست نزدیک‌تر از من به من است
چه کنم با که توان گفت که دوست

اندیشه و تحقیق



با وجود شباهت‌های ظاهری رابطه خدا و جهان با رابطه ساعت‌ساز و ساعت، تفاوت‌های این دو رابطه را بنویسید.

۱. وجود جهان از خداست اما وجود ساعت از ساعت‌ساز نیست و او فقط اجزای ساعت را تنظیم می‌کند.
۲. دوام و بقای ساعت، وابسته به ساعت‌ساز نیست اما بقای جهان وابسته به خداوند است.



نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ
 ﴿٥٨﴾ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ﴿٥٩﴾ نَحْنُ قَدَرْنَا
 بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ
 أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ
 النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ
 ﴿٦٣﴾ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿٦٤﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ
 حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾ إِنَّا لَمُعْرِمُونَ ﴿٦٦﴾ بَلْ
 نَحْنُ مُحْرِمُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾
 أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ﴿٦٩﴾ لَوْ نَشَاءُ
 جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي
 تُورُونَ ﴿٧١﴾ أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ﴿٧٢﴾
 نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَرِيحًا لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٣﴾ فَسَبِّحْ
 بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُ
 لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾
 فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾
 تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾